



نقش تعارض‌های زناشویی در رابطه بین سبک فرزندپروری و لجبازی کودکان، مورد مطالعه:
مادران مبتلا به ملال پیش قاعدگی

غزال زندکریمی^۱، مریم تقی‌پور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

چکیده

این مطالعه با هدف تعیین نقش میانجی تعارض‌های زناشویی خانواده در رابطه بین سبک فرزندپروری مادران مبتلا به ملال پیش قاعدگی و لجبازی کودکان انجام شد. این پژوهش توصیفی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری بود. شرکت کنندگان از شش مرکز مشاوره در تهران در سال ۱۴۰۱ به صورت هدفمند در دسترس انتخاب شدند. ملاکهای ورود عبارت بود از دارا بودن نشانگان اختلال ملال پیش از قاعدگی با تایید متخصص بالینی، داشتن کودک فرزند ۵ تا ۷ سال و تحصیلات بین دیپلم تا فوق لیسانس و ملاکهای خروج، ابتلا به اختلال روانی دیگر، یا تحت درمان داروهای روانی بود. شرکت کنندگان به پرسشنامه‌های تعارض‌های زناشویی خانواده، سبک‌های فرزندپروری و لجبازی کودک پاسخ دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که مدل معادلات ساختاری مبتنی بر نقش میانجی تعارض‌های زناشویی در رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه مادران مبتلا به ملال پیش قاعدگی و لجبازی کودکان دارای خوبی برآزش است ($P < 0.01$). اما سبک فرزند پروری آزادگذار و مسیرهای آن به تعارض‌های زناشویی و لجبازی کودک از مدل خارج گردید. یافته‌ها نشان دادند مادران مقتدر مبتلا به ملال پیش قاعدگی به طور مستقیم و غیر مستقیم و با نقش میانجی تعارض زناشویی، کاهش لجبازی کودک را پیش بینی می‌کنند و برعکس استبداد این مادران، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، پیش بین معنی‌داری برای لجبازی کودکان هستند.

کلیدواژه‌ها: تعارضات زناشویی خانواده، سبک فرزندپروری، لجبازی، ملال پیش قاعدگی

۱. نویسنده مسئول، گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده رفاه، تهران، ایران. zandkarimi@refah.ac.ir

۲. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشکده رفاه، تهران، ایران. taghipourmaryam1375@gmail.com

مقدمه

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که افراد در آن متولد می‌شوند و رشد می‌یابند (نوایی و محمدی آریا، ۱۳۹۴). این نهاد دارای زیر مجموعه‌هایی است که یکی از مهمترین آنها برای فرزندان، مادر می‌باشد که از موثرترین منابع در رشد و شکل‌گیری شخصیت و همچنین سلامت روان فرزندان است (کریم‌خانی، ۱۳۹۱). از طرفی مادر به عنوان منبع دلبستگی تاثیرات بسیار زیاد و عمیقی بر فرزندان خود دارد. رابطه مادر-فرزند با عوامل زیادی در ارتباط است که یکی از آنها تعارضات زناشویی است (جلالی، طیب لی و سلیمانی، ۱۳۹۳). تعارضات زناشویی و آسیبهای مادری پس از آن یکی از مشکلات کودکان در همه دنیا است و همه کودکان تا حدی این تعارضات را بین والدین خود تجربه می‌کنند که به آن منبع تنیدگی^۱ گفته می‌شود (کامینگز، کروس و پاپ^۲، ۲۰۰۷). لذا یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اثرگذار بر رشد و تحول کودکان، رابطه با مادر است. تعارض بین والدین منجر به ترس، خشم و استرس، و همچنین باعث مشکلات رفتاری و جسمانی کودکان می‌گردد (کامینگز، جنورج، مک کوی و دیویس^۳، ۲۰۱۲). مادر آسیب دیده از تعارض، بر عملکرد خانواده از جمله فرزندپروری تاثیر منفی می‌گذارد. بر پایه گزارشی که از فرزندان گرفته شده است، مشاهده کشمکش و تعارض میان پدر و مادر یک منبع استرس‌زای بسیار نیرومند می‌باشد (ذن، لیو، کیو، فو، هو و سو^۴، ۲۰۲۲). از طرفی نتیجه یک تحقیق طولی نشان می‌دهد که تعارضات بین والدین می‌تواند مشکلات رفتاری فرزندان را تا یک الی سه سال بعد پیش بینی کند (دلاگو، سرنا، مارتینز و کرویز^۵، ۲۰۲۲).

سندروم ملال پیش قاعدگی با نشانگان دردهای عضلانی و مفصلی، کاهش انرژی، کاهش ریختگی هیجانی، علائم اضطراب، افت خلق و بیقراری (انجمن روانشناسی امریکا^۶، ۲۰۲۱) طبق مطالعات اخیر یکی از دلایل چالش‌های زوجی به حساب می‌آید (ابوالوفاع، بدرالساوی وحاج حامد^۷، ۲۰۲۱). برخی مطالعات مطرح می‌کنند، زنانی که ملال پیش قاعدگی را درمان نموده‌اند، تا میزان قابل توجهی اختلافات و تعارضات بین فردی را کنترل می‌کنند (کریمیان کاکالی، مظلومی محمود آباد، حیدری، گریانلو و خبیری، ۲۰۲۱). اسلیورزکی و باتوروویش^۸ (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی این که آیا عناصر آسیب پذیری شناختی در برابر اختلالات عاطفی ممکن است باعث بروز ملال پیش قاعدگی شوند، پرداختند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان دادند که مادران مبتلا به ملال پیش قاعدگی از نظر استفاده از صفت‌های مثبت و منفی هنگام توصیف فرزند خود و پردازش اطلاعات مغرضانه با مادران بهنجار تفاوت دارند. بنابراین، آنها مشابه افراد افسرده محیط اطراف خود را با منفی‌نگری بیشتری پردازش می‌کنند که این می‌تواند در فرزندپروری آنها تاثیر معنی‌داری بگذارد. طبق مطالعه

1. Source of Tension
2. Cummings, Kuoros & Papp
3. Cummings, George, McCoy & Davies
4. Zhen, Liu, Qiu, Fu, Hu & Su
5. Delgado, Serna, Martínez & Cruise
6. American Psychological Association
7. Abu Alwafa, Badrasawi & Haj Hamad
8. Sliwerski & Batorowicz

ازگو و تانریوردی^۱ (۲۰۱۸) بین سطح افسردگی و سبک‌های حل تعارض در رابطه زناشویی رابطه وجود دارد. نتیجه حاصل از این پژوهش این بود که سبک‌های حل تعارض و سازگاری زناشویی زنان افسرده و همسران آنها، پیش‌بینی کننده افسردگی است. واکاتسوکی، اینوو، هاشیموتو، فوجیمارا، ماسایا^۲ و دیگران (۲۰۲۰) در فراتحلیلی بیان کردند که سوءاستفاده در دوران کودکی با اختلال ملال پیش از قاعدگی همراه است. طبق تحقیقات تونی، بری و نیکسون^۳ (۲۰۲۱)، مادران مبتلا به سندروم ملال پیش قاعدگی، فشار بیشتری تحمل می‌کنند و در رابطه با فرزندان خود، سختگیرانه و پرخاشگرانه‌تر رفتار می‌کنند. در مقابل، مادرانی که سعی در درمان نشانگان خود دارند، نسبت به مادران گروه گواه، عملکرد بهتری در فرزندپروری داشته‌اند. نکته قابل ملاحظه این است که فرزندپروری ضدونقیض یا به عبارتی، رفتارهای ناهمخوان والدین، غفلت والدین یا سخت‌گیری شدید آنها به ایجاد اختلال نافرمانی - چالشگری^۴ ربط داده شده‌اند. در این زمینه، حیدری (۱۳۹۶) بیان کرد که تعارضات زناشویی بر مشکلات رفتاری کودکان اثرگذار است. چونکای، جیانگ و فان^۵ (۲۰۲۲) نیز بر اساس نتایج پژوهش‌های خود بیان کردند که روابط خوب و مناسب زناشویی تاثیر مثبت بر سلامت روان کودکان دارد. طبق یافته‌های این مطالعه، تعارض زناشویی و رابطه مادر-کودک منفی و معنی‌دار است و از میان ابعاد تعارض زناشویی، مولفه‌های افزایش جلب حمایت فرزندان، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی و جدا کردن امور مالی می‌توانند کیفیت رابطه مادر-کودک را پیش‌بینی کنند. از طرفی چنانچه پدر نقش حمایت کننده داشته باشد می‌تواند تعدیل کننده اثرات ملال پیش از قاعدگی مادر باشد. طبق یافته‌های زیو، گلبز، ساپیرا و المر^۶ (۲۰۲۰) حس همدلی بالا و انعطاف‌پذیری پدر و مادر، می‌تواند کودکان را در کنترل هیجانات خود و انجام درست مسئولیت‌هایشان یاری کند.

بنابر آنچه که در پیشینه گزارش شده، احتمالاً ملال پیش از قاعدگی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، تعارضات زناشویی را تشدید می‌کند؛ به ویژه نشانگانی چون احساس کلافگی، عصبانیت و اضطراب، تحریک‌پذیری و خشم در این رابطه بیشترین تاثیر را دارند. از طرفی، احتمالاً این تعارضات زناشویی بر رابطه والد-فرزند اثر گذاشته و باعث می‌شوند فرزندان به دلیل رفتارهای هیجانی و متناقضی که مشاهده می‌کنند نافرمانی و یا لجبازی از خود بروز دهند. نتیجه این فرآیند، ایجاد چالش و تعارضات بیشتر است که موجب افزایش سطح نافرمانی و لجبازی فرزندان می‌شود. این مطالعه به دنبال این است که به بررسی نقش واسطه‌ای تعارضات زناشویی خانواده بین سبک فرزندپروری مادران مبتلا به نشانگان ملال پیش قاعدگی و لجبازی کودکان بپردازد. لذا سوالی که در این مطالعه مطرح شد این بود که آیا

1. Ozguç & Tanrıverdi
2. Wakatsuki, Inoue, Hashimoto, Fujimura & Masuya
3. Tunny, Barry & Nixon
4. Oppositional Defiant Disorder
5. Chunkai, Jiang & Fan
6. Ziv, Golbez, Sapira & Elmer

مدل معادلات ساختاری مبتنی بر نقش واسطه‌ای تعارضات زناشویی خانواده بین سبک فرزندپروری مادران مبتلا به نشانگان ملال پیش قاعدگی و لجبازی کودکان دارای خوبی برازش است؟

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری است که به وسیله آن به بررسی فرضیه پرداخته شد. جامعه مورد مطالعه، مادران مبتلا به نشانگان ملال پیش قاعدگی بودند که از نیمه دوم سال ۱۴۰۰ تا خرداد ماه ۱۴۰۱ به شش مرکز سلامت روان در شهر مراجعه نموده بودند. حجم نمونه مورد بررسی ۱۵۰ نفر از مادرانی بود که داوطلبانه در مطالعه شرکت کردند. طبق نظریه کلاین^۱ (۲۰۰۶) برای هر مسیر ۱۰ نمونه برازش مطلوب مدل را پیش‌بینی می‌کند. ملاکهای ورود عبارت بود از دارا بودن نشانگان اختلال ملال پیش از قاعدگی با تایید متخصص بالینی، داشتن کودک فرزند ۵ تا ۷ سال و تحصیلات بین دیپلم تا فوق لیسانس. ملاکهای خروج در این پژوهش، ابتلا به اختلال روانی دیگر، یا تحت درمان داروهای روانی بود. ابزارهای پژوهش به شرح زیر بودند:

پرسشنامه تعارضات زناشویی: این پرسشنامه توسط ثنایی ذاکر و براتی (۱۳۸۷) طراحی شده است. پرسشنامه دارای ۴۲ سوال با طیف لیکرت یک تا پنج است که حداکثر نمره آن پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ می‌باشد. روایی محتوای پرسشنامه توسط متخصصین در حد مطلوب گزارش شده و پایایی همسانی درونی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ می‌باشد.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری: این پرسشنامه توسط باومریند^۲ (۱۹۹۱) طراحی شده و سه سبک آزادگذاری، اقتدار منطقی و استبدادی را مورد سنجش قرار می‌دهد. پرسشنامه دارای ۳۰ سوال با طیف لیکرت پنج تایی است که کمترین نمره در آن صفر و بیشتر نمره ۱۵۰ می‌باشد. در بررسی روایی واگرا، مستبد بودن مادر رابطه معکوسی با آزادگذاری (۰/۳۸-) و اقتدار منطقی او (۰/۴۸-) داشت. مستبد بودن پدر نیز رابطه معکوسی با آزادگذاری (۰/۵۰-) و اقتدار منطقی (۰/۵۲-) او دارد (بوری^۳، ۱۹۹۱). در ایران ویژگیهای روانسنجی این پرسشنامه توسط صدر، خادم‌الرضا، اخباری، علمایی و هاشمیان (۱۳۹۷) مورد بررسی قرار گرفته است. طبق نتایج تحلیل عاملی، تحلیل مولفه‌های اصلی با چرخش واریمکس سه عامل را مشخص نمود که ۴۵/۱۳ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۵ و ضریب بازآزمایی ۰/۷۷ جهت تعیین پایایی پرسشنامه گزارش شده است.

مقیاس درجه‌بندی اختلال نافرمانی مقابله‌ای: این مقیاس را هومرسن، موری، اوهان و جانسون^۴ (۲۰۰۶) برای تشخیص کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای ساخته‌اند و برای کودکان ۵-۱۵ سال استفاده می‌شود. ضریب پایایی (همسانی درونی) مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ضریب

1. Kline

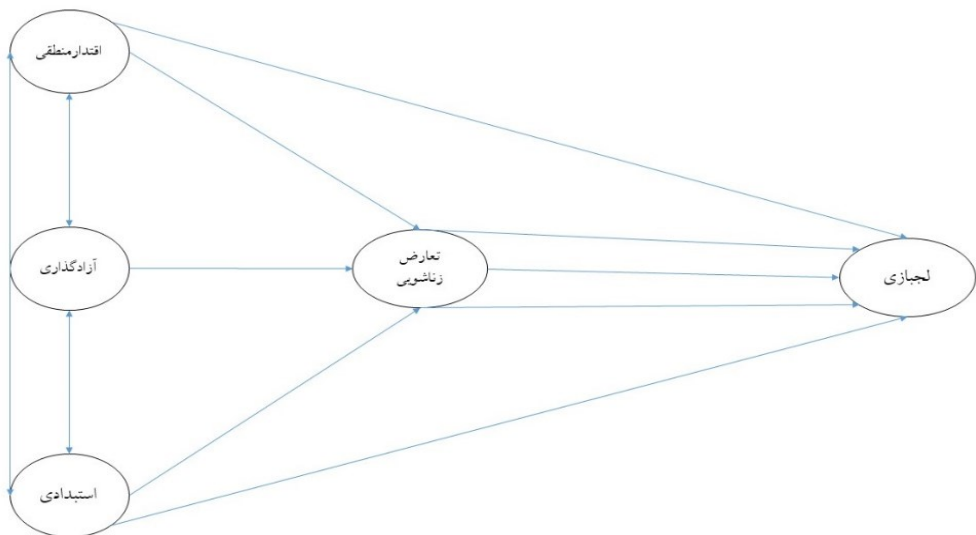
2. Baumrind

3. Buri

4. Hommersen, Murray, Ohan & Johnston

پایانی آن به روش بازآزمایی ۰/۹۵ توسط سازندگان مقیاس گزارش شده است. این مقیاس از سوی عابدی (۱۳۸۷) بر روی دانش‌آموزان پایه‌های اول تا پنجم دبستان شهر اصفهان روایی سنجی و اعتباریابی شده است. عابدی (۱۳۸۷) ضریب پایایی (همسانی درونی) این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و ضریب پایایی آن را به روش بازآزمایی ۰/۹۴ محاسبه کرده و روایی محتوای این مقیاس نیز توسط ۵ نفر روان‌شناس و روان‌پزشک تایید شده است.

لازم به ذکر است، کدهای اخلاقی در مورد رعایت حقوق شرکت‌کنندگان از جمله گرفتن رضایت نامه، اصل رازداری در مورد اطلاعات، اراده آزاد در مورد تکمیل یا عدم تکمیل پرسشنامه‌ها و ارائه نتایج در صورت تمایل شرکت‌کنندگان به آنها رعایت گردید. در کل ۱۵۰ پرسشنامه به شرکت‌کنندگان در یک مرحله ارائه گردید، پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش و ناکامل، ۱۱۰ داده جمع‌آوری شد. سپس داده‌ها وارد SPSS-24 شد و تجزیه و تحلیل توصیفی توسط این نرم‌افزار انجام شد. پس از آن برای بررسی مدل معادلات ساختی زیر، از نرم‌افزار SMART-PLS-2 استفاده شد. در SMART-PLS برای برازش مدل موجود از شاخص‌های روایی همگرا (AVE^1)، روایی واگرا ($HTMT^2$) شاخص متوسط اشتراک (C^3)، شاخص ضریب تعیین (R^2)، شاخص تناسب پیش‌بین (Q^2) و آماره GOF^4 استفاده می‌گردد.



شکل ۱) مدل معادلات ساختاری پیشنهادی نقش متغیر میانجی در رابطه بین متغیر ملاک و پیش بین

1. Average Variance Extracted
2. Heterotrait-Monotrait Ratio
3. Communality
4. Goodness of Fit

نتایج

میانگین سن مادران دارای نشانگان ملال پیش‌قاعدگی شرکت‌کننده در مطالعه ۳۵/۳۳ بود و به طور میانگین دارای دو فرزند بودند. به طور میانگین طول دوره تاهل آنها ۱۴/۷۷ سال بود. جدول زیر یافته‌های توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول (۱) یافته‌های توصیفی متغیرهای پیش‌بین، میانجی و ملاک

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	SD	چولگی	کشیدهی
تعارض زناشویی	۵۵	۱۲۲	۷۸/۴۴	۱۴/۳۸	-۰/۷۶	۰/۵۸
آزادگذاری	۱۰	۲۲	۱۵/۹۰	۲/۷۸	-۰/۲۰	-۰/۳۳
استبدادی	۴	۲۵	۱۳/۶۶	۴/۸۴	۰/۳۵	-۰/۳۶
اقتدارمنطقی	۲۵	۳۸	۳۲/۲۲	۳/۰۱	-۰/۱۰	-۰/۵۵
لجبازی	۰	۲۵	۱۵/۶۰	۴/۳۱	۰/۴۹	۰/۰۲

پیش از بررسی برازش مدل، مفروضه نرمال بودن چند متغیری به عنوان پیش‌نیاز روش بیشینه احتمال مورد بررسی قرار گرفت. مفروضات زیر طبق نظر کلاین (۲۰۰۶) عبارتند از: نرمال بودن داده‌ها، حداقل ۵ نفر حجم نمونه به ازای هر متغیر، مقیاس فاصله‌ای برای متغیرهای مدل، وجود رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک، غیر همبسته بودن جملات خطای متغیرها، عدم وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین (همبستگی زیر ۰/۸۰) و تک بودن متغیرها^۱ (همبستگی بین متغیرها زیر ۱). در این مطالعه کلیه مفروضات ذکر شده بالا رعایت شدند. در این پژوهش به ازای هر متغیر، ۱۰ نفر به عنوان گروه نمونه در نظر گرفته شد. کلیه متغیرها با مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری شدند و رابطه بین آنها خطی می‌باشد. داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند، جملات خطا همبسته نیستند و بین آنها همخطی چندگانه وجود ندارد. علاوه بر این، طبق نظریات و تعاریف ارائه شده متغیرها از هم مجزا می‌باشند.

جدول ۲) شاخص‌های برازش مدل بر اساس Smart PLS-2

C	R ²	Q ²	AVE	HTMT				متغیر
				تعارض‌ناشویی	آزادگذاری	استبدادی	اقتدارمنطقی	
۰/۹۰	۰/۳۸	۰/۲۷	۰/۶۱					تعارض‌ناشویی
۰/۷۸	۰/۰۰	۰/۱۲	۰/۵۶		۰/۷۵			آزادگذاری
۰/۸۴	۰/۰۰	۰/۲۷	۰/۵۱		۰/۷۱	-۰/۴۵		استبدادی
۰/۷۴	۰/۰۰	۰/۳۵	۰/۶۵	۰/۸۱	-۰/۰۸	۰/۳۰		اقتدارمنطقی
۰/۸۱	۰/۳۸	۰/۱۹	۰/۶۴	۰/۸۰	-۰/۴۰	۰/۵۱	-۰/۳۹	لجبازی

نکته: مقادیر بالاتر از ۰/۵۰ به عنوان حداقل AVE بیانگر اعتبار همگرایی کافی می‌باشد که یعنی یک متغیر مکنون می‌تواند به طور میانگین بیش از نیمی از پراکندگی معرف‌های خود را تبیین نماید (هیر، هالت، رینگل و سارستد^۱، ۲۰۱۷). در تعیین مقدار تناسب پیش بین Q² هنسلر، رینگل و سینکوویچ^۲ (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند. شاخص R² تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل ارائه می‌شود و درمورد متغیرهای برون‌زا مقدار آن برابر صفر می‌باشد و نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین به چه میزان توانسته متغیر ملاک را پیش‌بینی یا تبیین نماید (چین^۳، ۱۹۹۸). شاخص برازش کلی مدل GOF بصورت میانگین هندسی R² و متوسط اشتراک محاسبه می‌شود. از آنجا که مقدار GOF بیش از ۰/۳۵ است (وتزلز، اودکرکن و ون اوپن^۴، ۲۰۰۹)، بنابراین نتیجه نشان می‌دهد که از مقدار مناسب و مطلوبی برخوردار است و برازش کلی مدل تأیید می‌شود.

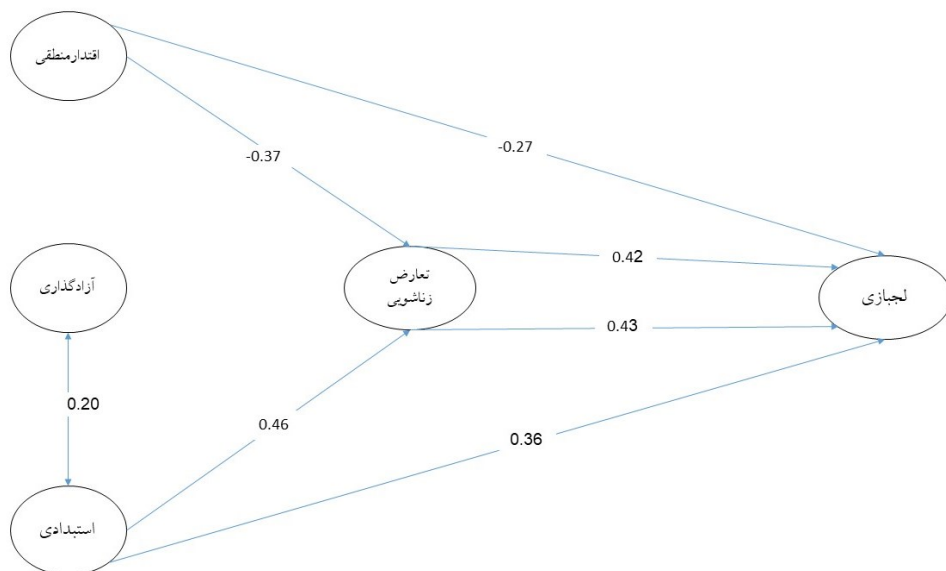
$$GOF^5 = \sqrt{\text{Communality} \times R^2} = ۰/۵۵ \text{ تایید مدل}$$

1. Hair, Hult, Ringle & Sarstedt
2. Henseler, Ringle & Sinkovics
3. Chin
4. Wetzels, Odekerken & Van Oppen
5. Goodness of Fit

جدول ۳) ضرایب مسیر و مقدار ارزش T در متغیرهای پیش بین، میانجی و ملاک

ارزش T	ضریب مسیر استاندارد	مسیر مورد مطالعه
۰/۶۲	۰/۱۳	آزادگذاری < لجبازی
۲/۱۳	-۰/۲۴	اقتدارمنطقی < لجبازی
۲/۹۷	۰/۳۸	استبدادی < لجبازی
۰/۳۷	-۰/۰۶	آزادگذاری < تعارضات زناشویی
۳/۲۷	-۰/۲۹	اقتدارمنطقی < تعارضات زناشویی
3/۵۷	۰/۴۶	استبدادی < تعارضات زناشویی
۳/۱۷	۰/۲۸	تعارضات زناشویی < لجبازی
۱/۵۸	-۰/۱۶	آزادگذاری < تعارضات زناشویی < لجبازی
۱/۹۹	-۰/۱۹	اقتدارمنطقی < تعارضات زناشویی < لجبازی
۲/۳۸	۰/۲۱	استبدادی < تعارضات زناشویی < لجبازی

نکته: مقادیر ارزش T کمتر از ۱/۹۶ سطح معنی داری قابل قبولی ندارند و مسیر مورد نظر در آنها قابل تایید نیست.



شکل ۲) مدل معادلات ساختاری نقش متغیر میانجی در رابطه بین متغیر ملاک و پیش بین با حذف مسیرهای غیرمعنی دار

بحث

مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش میانجی تعارض زناشویی در رابطه بین سبک فرزندپروری مادران دارای نشانگان ملال پیش قاعدگی و لجبازی کودکان انجام شد. نتایج حاصل از بررسی تحلیل مسیر بر روی متغیرها نشان داد مدل معادلات ساختاری با حذف مسیرهای بین سبک فرزندپروری آزادگذار و تعارض زناشویی و لجبازی، دارای خوبی برازش است. لذا فرضیه مبتنی بر این پژوهش مورد پذیرش واقع گردید. یافته‌های حاصل از این بررسی به سه بخش تقسیم می‌شوند که در زیر به آنها پرداخته شده است:

اولاً، سبک فرزندپروری اقتدارمنطقی مادران دارای نشانگان ملال پیش قاعدگی به طور مستقل با لجبازی کودکان ارتباط منفی دارد. این نتیجه با مطالعات قبلی در حوزه سبک فرزندپروری مقتدرانه و نافرمانی مورد بررسی قرار گرفته و تایید شده است (ذن و همکاران، ۲۰۲۲؛ دلاگو و همکاران، ۲۰۲۲). اما نکته حائز توجه در نقش میانجی تعارضات زناشویی بین رابطه بین سبک اقتدارمنطقی و لجباز کودک بود. بررسی برآیند مسیر نشان داد، این سبک، با وجود تعارض زناشویی پیش‌بین منفی‌ای برای لجبازی کودک محسوب می‌شود. این بدین معناست که حتی با وجود تعارضات زوجی در خانواده، سبک فرزندپروری مقتدرانه، می‌تواند به میزان قابل توجهی نشانگان نافرمانی و لجبازی کودکان را کاهش دهد. احتمالاً مادر مقتدر حتی در شرایط ابتلا به ملال پیش قاعدگی، قادر است هیجانات و نوسانات خود را کنترل نماید این یافته با یافته‌های کریمیان و همکاران، (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. به نظر می‌رسد این قابلیت او را در مدیریت روابط زوجی و همچنین در کنترل لجبازی کودک توانمند می‌کند. گرچه ما در این مطالعه، علل تعارض زناشویی را مورد بررسی قرار ندادیم؛ ولی شاید بتوان گفت مادران مقتدر، همسران مقتدرتری نیز هستند. همانطور که مدل نشان می‌دهد، رابطه بین تعارضات زناشویی و سبک فرزندپروری مقتدرانه منفی و معنی‌دار است. لذا ممکن است بتوان این استنباط را از این یافته نمود که اقتدار، در تمام حیطه‌ها به یک زن کمک می‌کند تا بتواند آسیب‌های روانی درون فردی و بین فردی را بهتر از سایرین کنترل و مدیریت کند. در واقع تحلیلی که میتوان در این حوزه نمود اینست که مادر مقتدر نیز مانند هر مادر دیگری ممکن است که نشانگان ملال پیش قاعدگی مبتلا شود؛ اما در مدیریت و درمان نشانگان خود نیز مقتدرانه عمل می‌کند. اقتدار را نمی‌توان فقط در یک حیطه داشت. داشتن روحیه مقتدر، مانند یک الگوی عملکردی، در تمام زمینه‌ها، حتی در کنترل و درمان خود، رابطه زوجی و فرزندپروری خود را متجلی می‌سازد (چونکای و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، فرزندپروری مقتدرانه یکی از مولفه‌های توانمند و مثبت است که علی‌رغم وجود ملال پیش از قاعدگی و تعارض زوجی می‌تواند کاهش لجبازی و نافرمانی در کودکان را پیش‌بینی کند.

دومین حیطه بحث، مربوط به سبک فرزندپروری مستبدانه و پیش‌بینی منفی لجبازی در کودکان است. همانطور که نتایج این مطالعه نشان داد، مادران مبتلا به ملال پیش‌قاعدگی با سبک فرزندپروری مستبدانه هم به طور مستقیم و هم با میانجی‌گری تعارضات زناشویی، رفتارهای لجبازی و نافرمانی را در کودکان تقویت می‌کنند. البته رابطه غیر مستقیم، یعنی وجود متغیر میانجی تعارض زناشویی، موجب

تقویت لجبازی کودکان می‌شود. این یافته با یافته‌های ازگو و تانریوردی (۲۰۱۸) استواکاتسوکی و همکاران (۲۰۲۰) و تونی و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، رفتارهای مستبدانه مادر، با تاثیر بر رابطه والد-فرزندی، تعارض را در این رابطه افزایش می‌دهد. کودکان پیامهای عامرانه، بدون احترام و درک متقابل را بدرستی دریافت نمی‌کنند. آنها هنگام دریافت پیامهای مستبدانه، بیشتر بر روی هیجانات منفی پیام متمرکز می‌شوند و بنابراین خودشان درگیر هیجانات منفی می‌شوند. این یافته با یافته‌های زیو و همکاران (۲۰۲۰) در این زمینه که نشان دادند حس همدلی پدر و مادر و انعطاف‌پذیری والدین، هیجانات منفی را در کودکان کاهش داده و موجب انتقال موفق پیام می‌شود، همسو می‌باشد. احتمالاً مادر مستبد و دارای نشانگان ملال‌پیش‌قاعدگی، وقتی درگیر تعارضات زوجی نیز باشد، به میزان بیشتری با کودک خود درگیر چالش می‌شود و این در زمانی است که به دلیل تعارضات زوجی، حمایت پدر را نیز از دست می‌دهد. مسلماً در چنین شرایطی، هیجانات منفی بیشتری بر رابطه مادر-کودک حاکم می‌شود و زمینه را برای لجبازی و نافرمانی کودک، بیش از پیش آماده می‌نماید.

سومین یافته، مربوط به نقش میانجی تعارضات زناشویی خانواده در رابطه بین سبک فرزندپروری آزادگذاری و لجبازی کودک در مادران مبتلا به نشانگان ملال‌پیش‌قاعدگی بود. در مطالعه حاضر این مسیر معنی دار نشد و احتمالاً به این معنی است که مادران آزادگذار علی‌رغم وجود تعارضات زناشویی و یا نشانگان ملال‌پیش‌قاعدگی، کاری به کار فرزندان خود ندارند و با آنها چالش نمی‌کنند. واقعیت اینست که آزادگذاری فرزندان، با اطاعت از آنها رابطه دارد. مطالعات نشان داده‌اند که والدین آسان‌گیر و آزادگذار، نظر فرزندان خود را مطیعانه گوش می‌دهند و قادر به کنترل توقعات و دستورات فرزندان خود نیستند (حسینی و کبیر، ۱۳۹۹). طبق نظریه، در خانواده‌های آسان‌گیر، استانداردهای بالایی وجود ندارد و فرزندان دلیلی برای دریافت و اجرای پیامهای والدین نمی‌بینند (سازمان حقوق بشر^۱، ۲۰۲۱). تبیینی که در این رابطه می‌توان کرد اینست که با وجود این سبک فرزندپروری و والدی که از کودک اطاعت می‌کند، احتمالاً آسیبهای زیادی رخ می‌دهد ولی چون چالش و استنادی نیست، قاعدتاً لجبازی نمی‌تواند اتفاق بیفتد؛ چه تعارض زوجی وجود داشته باشد و چه وجود نداشته باشد.

پژوهش حاضر دارای نقاط قوتی از جمله قابلیت تعمیم نتایج و بررسی مدل علی بود. لیکن مانند هر پژوهش دیگری، این پژوهش نیز از نقطه نظرات مختلف دارای محدودیتهای است که لازم است در مبتلا به نشانگان ملال‌پیش‌قاعدگی، برای عمومیت بخشی باید محتاطانه عمل گردد. دوماً، نوع تعارضات زناشویی به عنوان متغیر میانجی باید در نظر گرفته می‌شد. بدیهی است که برخی از تعارضات، سطح چالش در خانواده را بیشتر از بقیه افزایش می‌دهند و بر فرزندان اثرات مستقیمی می‌گذارند. در این رابطه، پیشنهاد می‌گردد مطالعات بعدی با توجه به نوع تعارضات زناشویی مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین با توجه به اینکه نقش تعارضات زناشویی در رابطه بین سبک فرزندپروری اقتداری و

استبدادی و لجبازی کودکان در مادران دارا نشانگان ملال پیش قاعدگی مورد تایید قرار گرفت، پیشنهاد می‌گردد، پژوهش‌های بعدی در خصوص طراحی و اجرای برنامه‌های فرزندپروری برای مادران مبتلا به این اختلال انجام شود.

سپاسگزاری

بدین وسیله از کلیه مراکز سلامت روان و همچنین کلیه مادران که ما را در این مطالعه یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض منافع

این مطالعه برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد بوده و نویسنده مسئول، مسئولیت کلیه موارد مربوط به مقاله را عهده دار می‌باشد. نویسندگان این مقاله هیچگونه تعارض منافی ندارند.

منابع

- ثنایی‌ذاکر، باقر و براتی، طاهره. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- جلالی، یوسف؛ طیب‌لی، معصومه و سلیمانی، علی. (۱۳۹۳). رابطه میان تعارض زناشویی و کیفیت رابطه والد-کودک. همایش سلامت اخلاقی و رفتاری کودک و نوجوان در خانواده، مدرسه و جامعه، تهران: موسسه نیروی تدبیر ایرانیان
- حسینی، زهرا و کبیر، منیر. (۱۳۹۹). مبانی فقهی ارتباط فرزندان با پدر و مادر. پژوهش‌های فقهی زنان و خانواده؛ ۲(۴)، ۳۱-۹.
- حیدری، فاطمه؛ حکیمی‌راد، الهام و فلاح‌زاده، هاجر. (۱۳۹۶). رابطه تعارضات زناشویی مادران با مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی (در شهر تهران). دهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- صدر، محمدمهراد؛ خادم‌الرضا، نوشین؛ اخباری، سحرناز؛ علمایی، مرضیه و هاشمیان، سیدسپهر. (۱۳۹۷). ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران؛ ۲۴(۱)، ۸۳-۹۱.
- عابدی، احمد. (۱۳۸۷). اعتباریابی و روایی‌سنجی مقیاس درجه‌بندی اختلال نافرمانی مقابله‌ای بر روی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر اصفهان، اصفهان: شورای تحقیقات آموزش و پرورش.
- کریم‌خانی، شیوا. (۱۳۹۱). تاثیر روش درمان والد-فرزند بر کاهش اختلالات رفتاری کودکان ناسازگار / ابتدایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- نوابی، جعفر و محمدی‌آریا، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط طرحواره‌های اولیه‌ناسازگار با توجیه روابط فرزندانشویی در میان افراد متأهل. فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن علمی پرستاری ایران؛ ۳(۴)، ۲۷-۱۸.
- Abu Alwafa, R., Badrasawi, M. & Haj Hamad, R. Prevalence of premenstrual syndrome and its association with psychosocial and lifestyle variables: a cross-sectional study from Palestine. *BMC Women's Health*; 21(233), 1-12.
- American Psychiatric Association. (2021). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders text revised*. Washington DC: American Psychiatric Pub.
- Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescence transition In P. A. Cowan & E. M. Hetherington (Eds). *Family Transitions*, 2,111-163.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*; 57(1), 110-119.

- Chin, W. W. (1998). The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern Methods for Business Research*; 295(2), 295-33.
- Chunkai, L., Jiang, S., & Fan, X. (2022). Exploring the impact of marital relationship on the mental health of children: Does parent-child relationship matter? *Journal of Health Psychology*; [25\(10-11\)](#), 1669-1680.
- Cummings, E. M., Kuoros, C. D., & Papp, L. M. (2007). Marital aggression and children's everyday inter parental conflict. *European Psychologies*, 12, 17-28.
- Cummings, E. M., George, M. R., McCoy, K. P., & Davies, P. T. (2012). Inter-parental conflict in kindergarten and adolescent adjustment: prospective investigation of emotional security as an explanatory mechanism. *Child development*, 83(5), 1703-1715.
- Delgado, E., Serna, C., Martínez, I., & Cruise, E. (2022). Parental attachment and peer relationships in adolescence: A systematic review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*; 19(1064), 1-22.
- Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2017). *A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM)*, 2nd Ed., and Thousand Oaks: Sage.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. In *New challenges to international marketing. Advances in International Marketing*, 20, 277-319.
- Hommersen, P., Murray, C., Ohan, J., & Johnston, C. (2006). Oppositional defiant disorder rating scale: Preliminary evidence of reliability and validity. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*; 14 (2), 118-125.
- Karimiankakolaki, Z., Mazloomi Mahmoodabad, S., Heidari, F., Gerayllo, S., Khabiri, F. (2019). The Relationship between Premenstrual Syndrome and Women's Marital Satisfaction. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*; 7(2), 1650-1655.
- Kline, R. B. (2006). *Formative measurement and feedback loops*. In G. R. Hancock & R. O. Mueller (Eds.), *Structural equation modeling: A second course* (pp. 43-68). Greenwich, CT: Information Age Publishing.
- Organization of Human Rights. (2021). *Guide on article 8 of the European convention on human rights. Right to respect for private and family life, home and correspondence*. Available at: www.echr.coe.int
- Ozguç, S., & Tanrıverdi, D. (2018). Relations between depression level and conflict resolution styles, marital adjustments of patients with major depression and their spouses. *Archives of psychiatric nursing*, 32(3), 337-342.

- Sliwerski, A., & Batorowicz, E. (2019) Negative cognitive styles as risk factors for the occurrence of PMS and PMDD. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*; 37(3), 322-337.
- Tunny, L. M., Barry, L., & Nixon, K. L. (2022). Mommy's having a bad day: The impact of premenstrual symptoms on mothering. *Journal of Women's Reproductive Health*; 9(2), 81-99.
- Wakatsuki, Y., Inoue, T., Hashimoto, N., Fujimura, Y., Masuya, J., Ichiki, M., & Kusumi I. (2020). Influence of childhood maltreatment, adulthood stressful life events, and affective temperaments on premenstrual mental symptoms of nonclinical adult volunteers. *Neuropsychiatric Disease and Treatment*; 16, 1-10.
- Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS quarterly*, 33(1), 177-195.
- Zhen, S., Liu, J., Qiu, B., Fu, L., Hu, J., & Su, B. (2022). Inter-parental conflict and early adulthood depression: Maternal care and psychological needs satisfaction as mediators. *International Journal of Environmental Research and Public Health*; 19(1402), 1-12.
- Ziv, I., Golbez, N., Sapira, N., & Elmer, S. (2020). Parental sense of competence, resilience, and empathy in relation fathers' responses to children's negative emotions in the context of everyday paternal childrearing decisions. *Journal of Cogent Psychology*; 7(1794681), 1-29.

The Role of Marital Conflicts in the Relationship between the Parenting Style of Mothers with Premenstrual dysphoric disorder and Children's Stubbornness

Ghazal Zandkarimi^{1*}, Maryam Taghipour²

Abstract

The aim of this study was to determine the mediating role of marital conflicts in the relationship between parenting styles of mothers with premenstrual boredom and of children's stubbornness. This study was descriptive with structural equation modeling. Participants were selected available purposeful from six counseling centers in Tehran in 2023. The entry criteria were having Premenstrual dysphoric disorder with the approval of a clinician, child aged between 5 and 7 years and education between diploma to master's degree and exclusion criteria, suffering from another mental disorder, or being treated with psychiatric drugs. Participants answered questionnaires on marital conflict, parenting styles, and child stubbornness. The results of this study showed that the structural equation model based on the mediating role of marital conflicts in the relationship between authoritative and authoritarian parenting style of mothers with premenstrual boredom and stubbornness of children has a good fit ($P < 0.01$). But the liberating parenting style and its paths to marital conflict and child stubbornness were taken out of the model. The findings showed that powerful mothers with premenstrual boredom directly and indirectly, with the mediating role of marital conflict, predict a decrease in child stubbornness. In contrast, the authoritarians directly and indirectly significantly predicted the children's stubbornness.

Keywords: Family marital conflict, Parenting styles, Premenstrual dysphoric disorder, Stubbornness

1.* Corresponding author, Department of Psychology and Counseling, Faculty of Refah, Tehran, Iran. zandkarimi@refah.ac.ir

2. Master of Psychology, Faculty of Welfare, Tehran, Iran. taghipourmaryam1375@gmail.com